

## مفهوم اعضاء و مصاديق آن در قانون مجازات اسلامي

دکتر سيد عباس سادات حسيني

استاديار دانشگاه علوم پزشکی شهيد صدوقی يزد، متخصص پزشکی قانونی و وکیل دادگستری

### چکیده

**مقدمه:** علوم بشری بر اساس موضوع وهدف وروش به انواع مختلفی تقسیم میشوند و اصول وچارچوب حاکم بر علوم یکسان نیست مانند علوم انسانی، پزشکی، پایه ومهندسی و قس علیهذا و مفاهیم هر علمی را باید در همان چهار چوب و اصول تبیین وتوضیح داد وحتی استفاده از مثال مربوط به یک حوزه علمی برای تفهیم موضوعی در حوزه ایی دیگر، کاری ناصواب ونوعی مغالطه محسوب میشود دراین مقال به معنا ومفهوم اعضاء بدن که در قانون مجازات اسلامي از آن یاد شده پرداخته شده است

**بحث:** درمباحث دیات وقصاص عضو راجع به اعضا، ومنافع اعضاء و از بین رفتن آن در اثر جنایت ومجازات آن بحث شده ولی تعریفی از عضو بعمل نیامده ولی به روشهای ذیل میتوان منظور قانون را از کلمه عضو استخراج نمود  
۱- با استناد به قانون دیات

دیه مال معینی است که به سبب جنایت بر نفس، عضو یا منفعت در شرع مقدس مقرر شده است ودر همین قانون دیات مادون نفس را به دو بخش دیه اعضا، و دیه منافع اعضاء تقسیم و بیان شده است  
در بخش اعضاء، از دیه مو شروع و اشاره به دیه لب، دندان، دنده، ناخن، ترقوه وحتی ازاله بکارت وپستان شده است دراین تقسیم بندی ونام بردن از مو وناخن و دنده درکنار دیه قطع اندام ها و چشم، لاله گوش، بینی وشکستن استخوانها، میتوان گفت که برداشت قانون از عضو، اشاره به اجزاء بدن میباشد که از اجزا بزرگ وپیچیده مانند اندام حرکتی وحسی مثل دست وپا وچشم وامثالهم تا اجزای کوچک وساده مانند مو وناخن را در بر میگيرد پس منظور از عضو بر اساس قانون مجازات اسلامي، اجزای مختلف تشکیل دهنده ی بدن است

۲- بر اساس تعریف قانونی معانی الفاظ  
معانی الفاظ طبق قانون مدنی بر معانی عرفیه دلالت دارد یعنی معنی عضو را باید در عرف جستجو نمود عرف در اینجا به دو دسته تقسیم میشود- عرف خاص ۲- عرف عام

۱- عرف خاص: عرف خاص در این جا عرف پزشکی است چون علم مربوط به بدن واعضای ان، علم پزشکی است در پزشکی راجع به عضو، تعریف معینی وجود ندارد واگر از عضو نام برده میشود همان معنای عام است نه تخصصی زیرا در پزشکی اجزای بدن بر اساس کارکرد مستقل از کوچکترین که سلول است شروع میشود و به بزرگ ترین که سیستم است ختم میشود و فی مابین، دو دسته دیگر وجود دارد که به ترتیب بافت وارگان نامیده میشود

۲- عرف عام: در عرف عام عضو همان اجزای تشکیل دهنده ی بدن است که قبلا اشاره گردید و شعر بنی ادم اعضای یکدگرند از سعدی و فرهنگ لغت معین مبین این موضوع است

**نتیجه:** منظور از کلمه عضو در قانون مجازات اسلامي، ویژگی آناتومیکی یا فیزیولوژیکی خاص از بعضی از قسمتهای بدن نیست بلکه منظور اجزا تشکیل دهنده ی بدن از ریز تا درشت است که دارای نام مستقل یا ویژگی کلی در ظاهر دارند که از اجزای دیگر قابل تمیز هستند پس اگر در قانون اشاره به دیه اعضای زوج یا فرد شده میتواند مشمول تمام اجزای بدن که فرد یا دوتا هستند بشود مانند کبد، کیسه ی صفرا، طحال، مثانه، پانکراس، آپاندیس، مری، تیروئید، استرنوم وغیره به عنوان اعضای

فرد و کلیه‌ها و پاراتیروید به عنوان عضو زوج نام برد و اگر دیه ی آنها در قانون یکسان و برابریک دیه ی کامل دانسته شده یک موضوع حقوقی و در در جه اول شرعی است و در صورتیکه با معیارهای پزشکی قابل تطبیق نیست (کما اینکه در بحث دیات موارد مشابه زیاد است) به معنای ابهام در تعریف عضو نیست بلکه باید بر اساس مبانی فقهی دیات بررسی و در صورت نادرست بودن قانون، مجددا در مرجع ذیصلاح قانونی بررسی و اصلاح شود والا هرگونه مداخله در تغییر محتوای قانون، امری تفسیری محسوب و خلاف قاعده در حقوق جزا و جایز نیست

واژگان کلیدی: عضو، قانون، مفهوم